

نقد کنوانسیون کلیه اشکال رفع تبعیض از زنان

معصومه صابری^۰

چکیده

دنیای کنونی عرصه چالش فرهنگ اصیل مبتنی بر خاستگاه‌های اعتقادی و تجارب تاریخ گذشته با فرهنگ جدید ناشی از دگرگونی دانش و تجددگرایی است. امروزه «حقوق زن» از مهم‌ترین بحث‌ها در عرصه بین‌الملل است و پاسخ مجامع جهانی به آن، «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان» بوده است. تعارض‌های موجود در این کنوانسیون و پیامدهای آسیب‌زای آن، نماد ناتوانی بشر در شناخت مقام زن و بیانگر ناکارآمدی جهان امروز در شناخت و عرضه الگوی صحیح برای تعالی و پیشرفت زنان است.

اسلام در مواجهه با مسئله حقوق زن، با پذیرش حضور اجتماعی و ارزش مقام وی، مشکل زنان امروز را در معرفت نیافتن به هدف نهایی شان می‌یابد. از این رو، بررسی کنوانسیون بر مبنای دین اسلام می‌تواند اصولی راهگشا برای جامعه بشری در تبیین هدف واقعی برای دستیابی به جایگاه حقیقی زنان ارائه دهد. بر پایه تعارضات موجود میان اصول اسلامی و مفاد کنوانسیون، روح حاکم بر کنوانسیون و تفکر اسلامی غیرقابل تلفیق است. در تفکر اسلامی راهکار دست یافتن زنان به جایگاه حقیقی‌شان تناسب حقوق است نه تشابه حقوق و اسلام تساوی حقوق را در تناسب آن با فطرت انسان می‌داند و با تشابه بی‌پایه آن مخالف است. **کلید واژه:** حقوق زن، کنوانسیون، تبعیض، زنان.

* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته کلام اسلامی، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.

مفهوم‌شناسی

«کنوانسیون» در لغت به معنای معاهده، قرارداد و میثاق آمده است (معین، ۱۳۷۵). و در اصطلاح، به طرح و برنامه‌ای مدون با پیش‌بینی و زمینه اطلاق می‌شود. (حسنی، ۱۳۸۰، ۱۱۸) بیشترین کاربرد کنوانسیون، لوایح و اعلامیه‌های سازمان ملل است که چگونگی عملکرد آن پیش‌بینی شده است.

«تبعیض» نیز مصدر عربی از باب تفعیل و ریشه «بعض»، (لوپس، ۱۹۸۹) به معنای تفاوت گذاشتن چیزی با چیز دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن، برخی را بر برخی ترجیح دادن به کار رفته است. (ابن منظور، بی‌تا) شهید مطهری، تبعیض را در برابر عدل به معنای تساوی به کار می‌برد. (مطهری، ۱۳۷۵، ۲۲۴) این واژه در ادبیات فمینیستی و بین‌الملل، به معنای تمایز بر اساس جنسیت به کار می‌رود. (مطلع، بی‌تا، ۲۰).

ضرورت بررسی کنوانسیون رفع تبعیض از زنان

کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با داعیه آزادی و رهایی زنان از بند ستم و برقراری تساوی کامل حقوقی و شخصیتی میان زن و مرد در جامعه بین‌الملل مطرح شده است. این لایحه که به بررسی متقابل حقوق زنان و مردان می‌پردازد، خواستار برابری و رفع تبعیض از زنان می‌باشد و برای عملی شدن آن نیز برنامه‌ریزی نموده است. بررسی این کنوانسیون با محور اندیشه و دیدگاه اسلام به چند دلیل، لازم است.

۱. تأثیرگذاری سیاسی بر جوامع

کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، نهاد ارزش‌گذاری به حقوق زن و به طور اعم، حقوق بشر شمرده می‌شود و نپذیرفتن آن، برابر با قبول تبعیض میان زن و مرد است. هرگونه موضع‌گیری در قبال کنوانسیون، تأثیر مستقیم بر سیاست خارجی کشورها دارد و ایران که کشوری تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز در خاورمیانه است، پاسخ روشنی به آن نداده است. تحلیل‌گران و مسئولان، از سویی پذیرفتن آن را مغایر با برخی احکام و قوانین اسلامی و اساسی می‌دانند که سبب ترویج نظریه جدایی دین از سیاست می‌شود و از دیگر سو، نپذیرفتن آن را نیز سبب افزایش فشارهای بین‌المللی و تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی می‌بینند. با توجه به اهمیت



پذیرش یا سرباززدن از پذیرش این کنوانسیون و نقش الگویی ایران برای بسیاری از کشورهای اسلامی و منطقه، پرداختن به آن از دیدگاه اسلامی، ضروری است.

۲. وجود دیدگاه‌های گوناگون

صاحب‌نظران به فراخور اندیشه خویش، راه‌ها و پاسخ‌های متفاوتی اندیشیده‌اند؛ برخی پذیرش را با شرط مغایرت نداشتن با احکام اسلامی و یا تجدید نظر در قانون اساسی و برخی احکام، به مصلحت اسلام و کشورهای اسلامی می‌دانند. برخی دیگر، موضع منفی گرفته‌اند و پذیرش کنوانسیون را ناممکن، غیر اسلامی و بر خلاف قانون اساسی می‌دانند. بهترین راه برای پاسخ‌گویی، توجه به آموزه‌ها و احکام اسلام است که حجت شرعی و قانونی دارد.

فلسفه و تاریخچه پیدایش

زنان تا پیش از ظهور جامعه مدرن، با وجود اینکه از دنیای سیاست برکنار بودند، به دلیل اهمیت اقتصاد خانگی و به بیانی، تفکیک‌ناپذیری حوزه‌های عمومی و خصوصی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات اقتصادی جوامع داشتند که کم‌وبیش مشابه مردان بود. («زن، دانشگاه»، ۱۳۸۹) فلسفه لیبرال با رشد سرمایه‌داری ظهور نمود و بر اساس اعتقاد به تساوی ذاتی انسان‌ها، خواستار دموکراسی و آزادی‌های سیاسی شد و شرایط زندگی زنان را نیز چون مردان، دگرگون ساخت. در نگاه آزادی‌خواهان لیبرال، اندیشه فردی مهم‌تر از سنت‌ها و نهادهای مستقر در جامعه بود و به این دلیل، آموزش و پرورش و به ویژه، تفکر انتقادی مهم‌ترین وسیله دگرگونی و تعالی اجتماعی دانسته می‌شد.

جنبش‌های زنان در آمریکا، ارتباط نزدیکی با نهضت برده‌داری داشت. فراینس رایت، از رهبران این جنبش، از فعال‌ترین طرفداران لغو بردگی و بهبود وضع کارگری در آمریکای شمالی بود. وی در سال ۱۸۳۰ میلادی اولین اجتماع آرمانی، آزاد و مختلط را برای بردگان و دیگر شهروندان آمریکایی ایجاد کرد. پایه تشکیل نخستین کنفرانس جهانی دفاع از حقوق زنان در سال ۱۸۴۸، کنفرانس جهانی ضد برده‌داری در سال ۱۸۴۰ میلادی در لندن بود.

در نظر گرفتن ظلم تاریخی به زنان و گسترش جهانی شدن به معنای بلوغ بین‌المللی در دهه‌های اخیر، زمینه‌ای برای پیدایش نظریه‌ها و مکتب‌های جدید و گوناگون فراهم نمود که

هر یک، در پی راهی برای احقاق حقوق زنان بودند. نظام سرمایه‌داری نیز برای ایجاد نظم نوین جهانی، برای تمامی گروه‌ها به‌ویژه زنان و جوانان، طراحی و برنامه‌ریزی منسجمی کرد و لیبرالیسم برای مشروعیت‌بخشی به نظریه‌های غربی در نظام بین‌الملل، راهی جز همراه نمودن جهانی ملل با این اهداف نداشت. قراردادهای جهانی و تصمیم‌های بین‌المللی در مورد زنان نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ابتکار جدیدی است که پس از طی مراحل بسیاری با کمک کشورهای مختلف و متعدد برای برطرف نمودن مشکلات زنان در جامعه جهانی، مطرح گردید. این طرح در سوم سپتامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) در قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و برای امضا و الحاق کشورها عرضه گردید. این کنوانسیون مشتمل بر مقدمه‌ای مشروح و سی ماده‌ای است که در شش بخش تنظیم گردیده است. طبق ماده ۲۵ آن، این کنوانسیون برای امضا و الحاق همه دولت‌ها مفتوح بوده، اسناد تصویب و الحاق دولت‌ها به کنوانسیون، باید به دبیر کل سازمان ملل تسلیم شود. اجرای این کنوانسیون به عهده «کمیته رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» می‌باشد که این کمیته شامل ۲۳ کارشناس است و از طرف دولت‌های عضو، کاندید و انتخاب می‌شوند.

شخصیت زن در اسلام و کنوانسیون

یکی از مهم‌ترین مباحث روز جهان، موضوع زن و مقایسه جایگاه و حقوق زنان در مکتب اسلام با دستاوردهای تمدن غرب است. امروزه که تبلیغات غرب با شعار تساوی زن و مرد، بر اذهان تأثیر گذاشته است، برای بررسی تطبیقی و تحلیل معنای تساوی، پرداختن به دو دیدگاه مطرح در مورد زنان؛ یعنی ریشه‌یابی افکار و اندیشه‌های فمینیسم که پایه کنوانسیون قرار گرفته است و دیدگاه اسلامی ضروری است.

۱. شخصیت زن در اسلام

خداوند متعال از جنبه‌های تکوینی و تشریحی شرایطی را به وجود آورده است تا زن و مرد راه تکامل را با توجه به ظرفیت خویش بیمایند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹، ۴۸) در شرایطی که بحث تساوی بر اندیشه‌ها سیطره یافته، شایسته است شخصیت و مقام زن را با معیار تساوی



در مبانی اسلامی بررسی نماییم.

الف. تساوی در خلقت

طرفداران تساوی، یکی از دلایل ستم اسلام را به زن، جنس دوم قرار گرفتن و خلقت او از آدم و برای آدم می‌دانند. (احمدی خراسانی، ۱۳۸۱، ۱۴۲) این مطلب، بر بنیان دینی و اسلامی استوار نیست. در اسلام، زن و مرد در آفرینش و در بعد روحی و جسمی از گوهری یکسان آفریده شده‌اند و هر دو جنس در ماهیت و جوهر وجود یکسان‌اند. قرآن در مورد خلقت زن و مرد، تعبیر «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (زمر: ۶؛ نساء: ۱) و «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (نحل: ۷۲) را به کار می‌برد. یکسانی خلقت زن و مرد، اندیشه‌ای است که قرآن به روشنی و با تأکید «ما خلقکم و لا بعثکم الا کنفس واحدة» (لقمان: ۲۸) آن را بیان می‌کند. در مبانی اسلامی، زن و مرد از یک جنس و گوهر و از جان یکدیگرند.

ب. تساوی در اجر و پاداش

زن در آموزه‌های اسلامی، تکامل‌پذیر و اوج‌گراست و در پرتو شناخت و عمل، به معراج می‌رود و به تعالی انسانی دست می‌یابد. قرآن هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای الهی سخن می‌گوید، مردان و زنان را برابر می‌داند و پاداش اعمال صالح را مطابق عمل می‌سنجد و نه جنس: «أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكَ مَن ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى؛ خدایند هیچ کوشنده‌ای از زن و مرد را ناچیز نمی‌سازد» (ال عمران: ۱۹۵) و امکان دستیابی به کمال نهایی و فضایل انسانی را برای زن و مرد، به یک اندازه ممکن می‌شمارد و «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، از زن و مرد، به بهشت می‌رود و ذره‌ای به او ستم نمی‌شود» (نمل: ۹۷). در بسیاری از آیات، خطاب جمع مذکر، خطاب عموم است و شامل تمام انسان‌ها می‌شود.

زن در اسلام همانند مرد، از سه ویژگی مهم اختیار، مسئولیت‌پذیری و کمال‌خواهی برخوردار است. قرآن از زنانی صحبت می‌کند که هم‌نشین و هم‌کلام فرشتگان‌اند. (مجلسی، ۱۴۲۳، ۷۹/۴۳) اسلام، تساوی زن و مرد در ذات، خلقت، اجر و پاداش را می‌پذیرد و راه و امکان تعالی او را برابر با مرد می‌داند، به گونه‌ای که زن می‌تواند در مرحله تقوا و سیر الی الله در مرتبه‌ای بالاتر از مرد قرار گیرد و این سیر، فقط وابسته به عمل است.

ج. استقلال شخصیت زن

اسلام، شخصیت زن را همچون مرد، مستقل دانسته و هیچ تفاوتی در وجود و حیات این دو بیان نکرده است و برتری و امتیاز هر کسی را فقط در تقوا معرفی کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم، ما شما را زن و مرد آفریدیم و شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید و گرامی‌ترین شما بی‌شک، باتقواترین شماست». (احزاب: ۱۳)

در آیه، به روشنی بیان شده است که زن و مرد، وجود استقلالی دارند و هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد. در آیاتی که در مورد آفرینش انسان و استقلال وجودی او بحث شده است، هرگز زن و مرد جدای از هم نیستند. آنان از یک منشاء و جنس و وجود شمرده می‌شوند و هر کدام شخصیتی مستقل دارند و زندگی این دو، طبق نظام احسن به بهترین گونه، مرتبط و آمیخته شده است. (دوست محمدی، ۱۳۸۹، ۵۸)

قرآن کریم، استقلال شخصیت وجودی زن و استقلال اقتصادی، سیاسی و عبادی او را مورد تصویب و تأیید قرار می‌دهد؛ چنانچه زنان در بهره‌گیری از نتایج فعالیت‌هایشان ذی‌حق‌اند و از نزدیکان خویش ارث می‌برند و برای آنها ارث به جا می‌گذارند. (نساء: ۷۳۲) پیامبر بیعت زن را می‌پذیرد و حضور زنان در مسایل اعتقادی و زیربنایی، مستقل است. زنان در مقام قرب الهی برخلاف دیگر ادیان، اصالت‌گناه ندارد، بلکه به اندازه مرد، زمینه کمال دارد.

امام خمینی رحمته‌الله در این مورد می‌گوید: «ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی هم‌دوش مردان، بلکه بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و قرآن فعالیت دارند». (خمینی، ۱۳۷۳، ۱۷۲/۲۱)

د. تفاوت در تکوین و تشریح

مساوات، همیشه مساوی با حق و عدل نیست، همان‌گونه که تفاوت نیز همواره ظلم و ستم نمی‌باشد. اگر شاخه و گل یکسان بود، خلاف عدالت بود. در مورد جایگاه زن و مرد در نظام خلقت نیز چنین است؛ اصرار ورزیدن بر اینکه آنان را مساوی یا متفاوت بدانیم، کاری بر خلاف طبیعت است. بی‌تردید زن و مرد در زندگی انسانی مساوی‌اند، ولی در ویژگی‌های جسمانی و طبیعی متمایز. (زیبایی نژاد، ۱۳۷۹، ۷۰۶۲) همین تفاوت‌ها است که زمینه‌ساز درک متقابل، تمایل دوسویه و هماهنگی این دو جنس است. زن و مرد در انسانیت



مشترک‌اند، ولی هر یک ویژگی‌های جنسی خویش را دارد و این، لازمه آفرینش حکیمانه و هدفمند الهی است. به اعتقاد ما در متن تکوین، ابزار طبیعی دستیابی به هدف نهایی و غایت خلقت، در دسترس زن و مرد قرار گرفته است. از سوی دیگر تشریح، راه به کارگیری استعدادهای طبیعی را برای رسیدن به مقصود پیش روی انسان نهاده است؛ زیرا تکوین و تشریح، هر دو در راستای حرکت به سمت هدف قرار گرفته‌اند و متناسب و هم جهت‌اند. تفاوت نیز سبب نقص یا کمال نیست و جهان آفرینش، آکنده از تفاوت‌ها و اختلاف توانایی‌ها است، ولی کسی چنین اختلافی را به خودی خود نشانه عیب یا کمال نمی‌داند. برای مثال قدرت بالای شنوایی و بویایی در سگ، کمبود در تعالی انسانی نیست. (دوست‌محمدی، ۱۳۸۱، ۹۵)

۲. شخصیت زن در کنوانسیون

زن در طول تاریخ و تمدن غرب، همیشه مورد ستم و نابرابری‌های انسانی قرار گرفته است و موجودی است که با اصالت گناه در فرهنگ مسیحیت و یهودیت مطرح بوده و شیطان، قلمداد شده است. (دورانت، ۱۳۶۷، ۵۱۹) در میان رومیان متمدن قرون باستان، زنان مانند اموال شوهرشان به ارث می‌رسیدند و در دموکراسی آتن، با بردگان و ولگردها برابر بودند. با تحولات رنسانس، زنان خواستار اعاده حیثیت و حقوق تضییع شده خویش شدند؛ (نوری، ۱۳۷۵، ۸۹) با شعار تساوی زن و مرد، برابری حقوق زن و مرد را فریاد زدند و فمینیست شکل گرفت. با تشکیل سازمان ملل و تصویب اعلامیه حقوق بشر، این جنبش خواستار احقاق حقوق زنان در قالب مصوبه‌ای شد و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان بر پایه اندیشه‌های فمینیستی شکل گرفت. برای درک بهتر کنوانسیون و علت رد آن در برخی کشورهای اسلامی، باید به بررسی روح حاکم بر غرب و کنوانسیون پرداخت.

الف. فردگرایی

زیرساخت فکری کنوانسیون، اومانیسم است. به همین سبب، انسان محور تعیین ارزش‌ها و بایسته‌های اجتماعی است و بایدها و نبایدها را او برای خود تعریف می‌کند. سپس به دنبال این بایسته‌های تعریف شده حرکت و زندگی خود را هماهنگ با آن ساماندهی می‌کند. در این

فلسفه، انسان مبنای حق و باطل است و هیچ بایدی نیست، مگر آنچه انسان می خواهد. در برابر این اندیشه، آن است که انسان مبنای حق و باطل و ارزش ها را در بیرون از خود تعریف کند و به خدا برگرداند؛ یعنی معتقد به پرستش خدا باشد.

آنان در هنجارسازی ارزش های غربی و زیر سؤال بردن ارزش های دینی می کوشند و ادیان را عامل ستم علیه زنان می شمارند و از آنان می خواهند که با موانع مذهبی مبارزه کنند. (مرتوس، ۱۳۸۲، ۵) امام خمینی رحمته الله علیه در پیام به بازرگانان و اصناف همدان در سال ۱۳۴۲ می گوید: «دستگاه جبار گمان کرد با زمزمه تساوی می تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود که ضربه نهایی به اسلام است، باز کند».

ب. نادیده انگاری تفاوت و استعداد های زنان

هدف کلی کنوانسیون، دستیابی به برابری کامل زن و مرد است. برای رسیدن به این هدف، تمامی اشکال تبعیض با هر مبنای تاریخی و مذهبی باید از بین برود.

منظور از تبعیض، هر محدودیتی است که بر اساس تمایز جنسی ایجاد شده و به بیانی دیگر، نادیده گرفتن تمایزها و تفاوتها است. روح کنوانسیون، مساوات مطلق است و هیچ تفاوتی را مگر به نفع زنان و برای جبران عقب ماندگی آنان از مردان نمی پذیرد. البته فمینیست های جدید، ماهیت و جوهر ذاتی زنان را متفاوت می دانند و خواستار تعریف حقوقی بر اساس تفاوت و تمایز شده اند. پیامد تفاوت در جوهر، تفاوت در توانایی ها و استعدادها است. کنوانسیون، نقش کلیدی و توانایی منحصر به فرد زن را در مادری و همسری نادیده گرفته است و با سطحی نگری، خواست های فطری و غریزی زن را بی پاسخ نهاده است و با نادیده گرفتن ویژگی ها و توانمندی های زنان در شکل و محتوای آموزشی، رشته های تحصیلی و فرصت های اشتغال، موجب بحران در کشورهای عضو کنوانسیون شده است.

ج. رسالت زن در کنوانسیون

روح حاکم بر کنوانسیون، برابری و مساوات مطلق زن و مرد در قوانین و مقررات جامعه جهانی می باشد. نظریه تساوی و برابری مردان و زنان بر یکی از این دو پایه استوار است:

زنان و مردان هیچ تفاوت زیستی ندارند، بلکه جبر زمانه سبب ستم مردان به زنان در طول تاریخ شده است.



تفاوت زیستی و طبیعی، وجود دارد، ولی سبب تفاوت در حقوق و قوانین نیست و تفاوت زیستی نباید سبب تشریح و تضمین نابرابری شود. (جگر، بی تا، ۲۹)

تصدیق تفاوت‌های زیستی و تأکید بر لزوم نادیده‌انگاری این تفاوت‌ها در وضع قوانین که بنیان اندیشه‌ای کنوانسیون را تشکیل می‌دهد، ابتدا بیان شده، ولی در ماده‌های چهارم و یازدهم و دوازدهم، نقض و خواستار تفاوت زیستی (مادری و بارداری) شده است و ناکارآمدی نظریه تساوی و برابری مطلق را خود کنوانسیون اعلام نموده است؛ یعنی نخستین منتقد جدی این نظریه، دیگر مفاد کنوانسیون است. (هاجری، ۱۳۸۲، ۲۷۱۷) اگر تفاوت در دوره بارداری و شیرخوارگی کودک، تبعیض نیست، چگونه مرحله اساسی تربیت او تبعیض محسوب می‌شود؟! کنوانسیون کوشیده است با تأکید بر اصل تساوی، زنان را به اجتماع بخواند و اساس خانواده را که نهاد ظلم می‌داند، نابود کند، ولی خود، رسالت زن را در مادری یافته است و آن را مورد استثنا و تبعیض و تأکید قرار داده است.

نقدی بر تعارضات الحاق به کنوانسیون

الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، به معنای پذیرش الگوهای ساخته غرب و تأیید این مطلب است که نهادها می‌توانند فراتر از دین، بر کرسی تشریح بنشینند و قوانین خود را برتر از احکام شریعت بدانند و روزبه‌روز، دین را محدودتر سازند. از سوی دیگر، التزام به مفاد این کنوانسیون، تأیید عملی نظریه جدایی دین از سیاست است و پذیرش مقدم بودن قوانین متکی به باورهای انسان‌ها بر راهنمایی وحی است. این نگرش که دین را محدود به رابطه شخصی خالق و مخلوق می‌داند، مورد تأیید اسلام نیست. ایراد اساسی این نظریه بی‌توجهی به اصل ولایت فقیه است که اصلی بنیادین در جامعه شیعی است و تضعیف آن با تعهدی بین‌المللی، شکستن قاعده «نفی سبیل» و باز کردن دست اجانب بر جان و مال و ناموس و قوانین مسلمین در بلاد اسلامی است؛ زیرا به بیان امام خمینی رحمته الله علیه، نقش الگویی ایران، باعث تشویق کشورهای ملحق نشده و مردد می‌شود و آنها بدون محاسبه دقیق و احتیاط لازم، ملحق می‌شوند و ایران، زمینه‌ساز نفوذ غرب در جان و مال و ناموس مسلمین شده، باعث سلطه کامل آنها خواهد گشت. (خمینی، ۱۳۷۳، ۲۹/۱)

در عرصه سیاسی نیز اقتدار نظام اسلامی، وابسته به حمایت‌های مردم مسلمان است و مردم دین‌باور به توصیه بزرگان دینی و فقیهان، به حمایت از نظام اسلامی برخاسته‌اند. اگر پذیرش این کنوانسیون‌ها و التزام به مفاد آن بدون علت موجه، زمینه‌ساز تعطیلی احکام شرع شود، زمینه جدایی مردم از حکومت و تزلزل دستگاه حکومتی در جوامع اسلامی فراهم می‌شود. الحاق به این کنوانسیون، چه مطلق و چه مشروط، بدین معنا است که اصل این کنوانسیون و روح کلی آن که تشابه حقوقی زن و مرد است، مورد تأیید و سندی پیشروانه و موجب ارتقای زنان است.

این کنوانسیون در پی سست نمودن پایگاه مذهب و نهاد خانواده است که مهم‌ترین پایگاه حفظ ارزش‌ها است. در عرصه اجتماعی نیز پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم ناشی از التزام به این کنوانسیون، تزلزل خانواده، ناامنی اجتماعی و فسادهای فراوان خواهد بود.

تعارض مفاد کنوانسیون با قرآن

برخی موارد کنوانسیون با دستورهای صریح قرآنی که سند و حجت مشترک جوامع اسلامی است، در تعارض است؛ موارد چون وجوب حجاب برای زنان، حرمت نظر به جنس مخالف، محدودیت در قبول شهادت زن، اختلاف زن و مرد در میزان دیه، اختلاف در شیوه اجرای حکم رجم، جواز قتل همسر (زن) در صورت دیدن وی در حال زنا، قصاص مادر به دلیل اقدام به قتل فرزند و نداشتن جواز قصاص پدر در مورد مشابه، اختلاف دختر و پسر در سن بلوغ، اختصاص حکم لعان به مرد و حرمت ابدی مترتب بر آن، نداشتن جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان، اختلاف زن و مرد در میزان ارث، لزوم پیروی زن از مرد در محل اقامت، ولایت انحصاری پدر و جد پدری بر صغیر، موکول بودن ازدواج دختر باکره به اذن پدر، حرمت ازدواج با محارم، حرمت ازدواج با خواهر همسر، منوط بودن ازدواج با دختر برادر همسر و یا دختر خواهر وی با اجازه زن، حرمت عقد در حال احرام، جواز منع همسر (زن) از خروج از منزل یا انجام فعالیتی که منافی حقوق همسر باشد، انحصار جواز تعدد زوجات برای مرد، اختلاف زن و مرد در عیوب موجب فسخ، انحصار حکم طلاق به دست مرد، لزوم نگهداری عده برای زن، جواز انحصاری رجوع مرد به همسر در زمان نگهداری عده، اختلاف

زن و شوهر در حضانت فرزند، حرمت سقط جنین، ولایت پدر و جد پدری بر صغیر در مسأله ازدواج، حرمت لمس، مصافحه و معانقه با زن اجنبی، نداشتن جواز امامت زنان برای مردان، حرمت آموزش مختلط به دلیل آنکه مقدمه مفاسد اخلاقی می‌گردد و

نظر فقیهان و مراجع

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه: «تساوی از جمیع جهات، باعث نابودی احکام الهی و ظلم به زن است». (حضرت امام، گوینده آن را تهدید به تکفیر نمودند).

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

پیوستن به معاهده مذکور برای مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی اگر پایبند به احکام نورانی و حیات بخش اسلام هستند جایز نیست؛ زیرا با بسیاری از احکام اسلامی در تعارض و تضاد است، مگر آنکه موارد اصلاح شود.

آیت الله مکارم شیرازی: «تعارض، به حدی است که قابل تطبیق بر قوانین اسلامی نیست و مفاد آن خلاف اسلام است». **آیت الله فاضل لنکرانی:** «برای نزدیک شدن به مجامع بین‌المللی، برخی از احکام اسلام را زیر پا نگذارید». **آیت الله تبریزی:** «موارد عهدنامه مزبور با احکام شرع مقدس مطابقت ندارد و قابل جمع با آن نیست».

آیت الله مظاهری:

برخی به دنبال تصویب الحاق هستند که متضمن اشکالات فقهی و حقوقی است؛ قدمی جدی برای حاکمیت غرب و سلطه فرهنگ مادی غربیان است که توسط سازمان ملل برداشته شده است.

آیت الله صافی:

این عهدنامه در موارد بسیاری با احکام مقدسه شرعیه مغایرت دارد و الحاق به آن، حتی به طور مشروط، معارضه با اسلام و حرام است. پیوستن به آن را جایز نمی‌دانم و معارضه و اهانت به احکام شرع می‌دانم.

آیت الله نوری همدانی:

مخالف مبانی دین مقدس اسلام و مغایر فقه اهل بیت علیهم السلام است. تصویب این لایحه، مصیبت بلکه فاجعه بزرگی برای این ملت است و به طور مطلق، عهدنامه

مغایر با شرع و فقه اهل بیت عصمت و طهارت است.

آیت الله مشکینی: «این زمزمه‌ها تلاش علیه اسلام است».

آیت الله مصباح یزدی: «در آن، دست کم نود مورد است که با اسلام مخالف است». (طاهری،

۱۳۸۲، ۲۸۵)

تفکر اسلام در نگاه به کنوانسیون

۱. حقوق فردی زن

زن، انسانی با حریم فردی و شخصی است که این حریم را حقوق او شکل می‌دهد. کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، در ماده یک و سه، آزادی‌های اساسی زن و حمایت قانونی از او را خواستار است و در ماده پانزده بر حقوق مساوی او در برابر قانون تأکید می‌کند.

اسلام، زن را انسان و موجودی آزاد، مختار و کمال طلب می‌شمارد که در حریم شخصی خویش می‌تواند اعمال عبادی و رابطه خود و خدایش را شکل دهد. زن و مرد در پیشگاه خداوند برابرند و امکان قرب الهی برای هر دو به یک میزان میسر است. برابری آنان در قوانین، تکوین و تمایزات زیستی آنها را نفی می‌کند و کنوانسیون در بیان آن، دچار تناقض می‌شود و استثنا می‌آورد. اسلام تفاوت در راه کمال زن و مرد را می‌پذیرد و زن بودن را مایه استضعاف زنان نمی‌داند. اسلام، تشابه حقوق زن را نمی‌پذیرد و بر نمی‌تابد.

۲. جایگاه زن در خانواده

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در همه فرهنگ‌ها دارای بار ارزشی فراوان است. افرادی که در این نهاد مقدس گرد می‌آیند، با مسئولیت و وظایفی خاص وارد این گروه می‌شوند و نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرند. در بحث خانواده، ازدواج، طلاق و تربیت فرزند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. ازدواج

در ماده شانزده کنوانسیون آمده است:

به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج، اول عضو باید

اقدامات لازم برای حق یکسان برای ورود به ازدواج و حق یکسان در انتخاب



آزادانه همه و رضایت کامل طرفین را به وجود آورد. واژه «اسراف» در مورد تمام نعمت‌های الهی به کار می‌رود؛ خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها، حتی وقت و زمان... اسراف، فقط به جنبه کمی و اندازه بهره‌وری از مال و ثروت و نعمت‌های الهی محدود نمی‌شود، بلکه درست و بهینه مصرف نکردن هم از مصادیق اسراف می‌باشد.

در اسلام، ازدواج باید آگاهانه، هدف‌دار و گزینش شده باشد، چنانچه حضرت زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام چنین بودند. در اسلام، حق یکسان برای ورود به ازدواج مورد تأیید نیست و اینکه حضرت علی تا زمانی که حضرت زهرا علیها السلام در قید حیات بودند، همسر دیگری انتخاب نکردند، به دلیل عظمت آن بانوی گرامی بود. (مجلسی، ۵۱۴۲۳، ۲۱۷/۴۳) قرآن چندهمسری مرد را به شرط رعایت عدالت مورد تأکید قرار داده و به آن تصریح می‌کند. (ر.ک: نساء: ۳) این امر، با ماده یک و شانزده کنوانسیون مغایرت دارد؛ زیرا تمایزی بر اساس جنسیت است.

ب. طلاق و جدایی

در ماده شانزده کنوانسیون آمده که حقوق و مسئولیت‌های یکسان در دوران زناشویی و به هنگام جدایی باید میان زن و مرد رعایت شود. در حالی که در اندیشه اسلامی، خانواده‌ای موفق است که به طور مشترک برای رسیدن به اهداف خانواده تلاش کند، ولی باید شئون و وظایف، مشخص شود و هر یک به تناسب توان و تخصص خود، کاری را به عهده گیرد. برای نمونه حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام برای تقسیم کار به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند و درخواست نمودند آن حضرت تکلیف آنها را در امور خانه مشخص فرماید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان دستور داد کارهای خارج از خانه را انجام دهد و حضرت زهرا علیها السلام را امر به اداره کارهای خانه فرمود. بانو، از این تقسیم کار بسیار خوشحال شد. (مجلسی، ۵۱۴۲۳، ۸۱/۴۳) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «جدم، علی علیه السلام در انجام کارهای خانه هیزم جمع می‌کرد. آب می‌کشید و خانه را جارو می‌کرد و مادرم زهرا علیها السلام نیز جوها را آرد می‌کرد، خمیر می‌نمود و نان می‌پخت». تعقل انسانی نمی‌پذیرد که زن و مرد مسئولیت یکسان داشته باشند؛ زیرا هر کدام، فطرت مختص به جنس خود را دارند و به تناسب قدرت بدنی و روحیات خویش، می‌توانند

مسئولیت بپذیرند.

طلاق در اسلام حکمی در اختیار مرد است و مردان ضمن الزام به پرهیز از هرگونه ظلم به همسر خود و تخطی از معروف، با احسان می‌توانند همسر خود را طلاق دهند. البته این حکم، قابل واگذاری است و زن می‌تواند در طلاق خود، وکیل قرار گیرد و این مسئله را به صورت مطلق یا مشروط (با شرایطی چون اعتیاد و...) ضمن عقد خود، شرط (ایجاب) کند. (علاسوند، ۱۳۸۲، ۷۵)

ج. تربیت فرزند

دولت‌های عضو کنوانسیون، طبق ماده یازده باید زمینه مرخصی بدون اخراج برای زایمان، دوران بارداری و حمایت از زنان را در مشاغل زیان‌آور فراهم کنند و گسترش شبکه تسهیلات برای مراقبت از کودکان را پیش‌بینی کنند. این قوانین حمایت‌کننده باید به طور متناوب، همگام با پیشرفت اطلاعات و فناوری بازنگری شود. اسلام، بزرگ‌ترین رسالت زن را تربیت فرزند می‌شمارد. در همین راستا، حضرت زهرا (علیها السلام) در نخستین وصیت خویش، جنبه عاطفی تربیت فرزندان را مورد توجه قرار می‌دهد و خطاب به حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پس از من با دختر خواهرم، «امامه» ازدواج کن؛ زیرا او همانند من با فرزندانم مهربان است». (مجلسی، ۱۴۲۳ هـ، ۳۰۴/۲۸؛ دشتی، ۱۳۷۴، ۳۱۶) با توجه به این وصیت و اهمیت تربیت عاطفی و روانی کودک، آیا شبکه‌های تسهیلات دولت، می‌توانند مسئول مراقبت از فرزندان باشند؟! با توجه به این اصل، جز در موارد ضرورت، التزامی به اشتغال نیست و اشتغال، برتری و مزیتی برای زن نیست، بلکه رسالت زن، تربیت فرزندان صالح و شایسته است و تربیت اسلامی به دوران شیرخوارگی و مراقبت دولتی نمی‌انجامد.

۳. حضور اجتماعی زن

زنان در تاریخ، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در امور سیاسی حضور داشته‌اند و اسلام نیز حضور اجتماعی زن را با رعایت اصولی می‌پذیرد و بی‌توجهی به این اصول و ضوابط و تلاش برای مساوات محض، زنان را در بیماری و جرایم نیز به مساوات رسانده است. (گرهارد،

۱۳۷۴، ۴۷۹)

الف. آموزش و پرورش

کنوانسیون در ماده ۱۰۷ خواستار دسترسی یکسان به آموزش و پرورش در تمام سطوح روستایی و شهری، بورس و مزایای تحصیلی و کاهش ترک تحصیل دختران می‌شود.

در اسلام، طلب علم بر هر زن و مرد جوانی واجب و علم‌آموزی یکی از ارکان تعیین‌کننده شخصیت انسان (چه زن و چه مرد) است. از این‌رو، خانه حضرت زهرا علیها السلام مکتب و مدرسه بود و زنان مدینه و دیگر نقاط، برای درک و فهم مسایل به حضور ایشان می‌رسیدند. نقش ایشان در تهذیب و تکامل زنان و حل مشکلات زنانه آنان در تطبیق با آموزه‌های اسلامی فوق‌العاده بود. (قائمی، ۱۳۷۳، ۲۷۴) روایت شده است که حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ عذرخواهی زنی از پرسش بسیار فرمود: «باز بیا و آنچه سؤال داری، بپرس! من هر مسئله‌ای را که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله بین زمین و عرش، گوهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم. پس سزاوار است بر من سنگین نیاید». (مجلسی، ۱۴۲۳، ۵۱۴۲۳، ۹۳/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۲، ۵۱۴۱۲، ۲۱/۱۱)

در اسلام، خروج زن از منزل جز برای علم‌آموزی به مقدار ضرورت، استیذان می‌طلبد. (صدیق اورعی، ۱۳۸۰، ۱۷۳) این اصل اسلامی، ناقض بند تساوی در بورسیه و مزایای تحصیلی ماده ده کنوانسیون می‌باشد. از سوی دیگر، آموزش یکسان با کیفیت برابر، خلاف تعقل می‌باشد؛ نیازهای زن و مرد به دلیل تفاوت‌های تکوینی، متفاوت است و هر یک، آموزش ویژه‌ای متناسب با روحیات خویش می‌طلبد. آموزه‌های فاطمی، آموزش و یادگیری و تدریس زن را با توجه به نیاز می‌پذیرد و بر آن صحنه می‌نهد. از دیدگاه ایشان، تساوی در محتویات و شرایط آموزشی یا اختلاط زن و مرد و یا خروج زن بدون استیذان برای یادگیری مورد پذیرش نیست؛ زیرا بر خلاف مقدمات کمالی زنان است.

ب. اشتغال

در ماده یک و هفت و یازده کنوانسیون، زن و مرد در دستیابی به سمت‌های دولتی در تمام سطوح، ضوابط استخدام، حق اشتغال، انتخاب پیشه و میزان حقوق و دستمزد و قضاوت در ارزیابی کار، با یکدیگر برابرند و زنان بر پایه ازدواج، مادری، بارداری و زایمان، از مزایایی برخوردارند. نخست باید گفت که همین موارد، تمام بندهای کنوانسیون و شعار تساوی حقوق و بی‌تأثیر بودن تمایزات جنسی را رد می‌کند. اگر جنس تأثیری در حقوق ندارد، پس

نباید زنان از امتیازی برخوردار شوند و مردان مورد تبعیض قرار گیرند. اگر تفاوت در جنس سبب تمایز در حقوق و شرایط می‌شود، اصرار بی‌پایه کنوانسیون بر تساوی چیست؟! در اسلام، زن برتر به رسالت خویش در منزل می‌پردازد و جز به ضرورت، در صحنه اجتماع حضور نمی‌یابد، چنانچه حضرت زهرا علیها السلام نیز مگر برای تکلیف الهی، میان مردان حضور نیافت و حضورش نیز باضابطه بود. ایشان برای ادای تکلیف و دعوت الهی به صورت پوشیده و مستور و درحالی‌که بین پدر و همسرش قرار گرفته بود، در روز مباحله حضور یافت. پیام این عمل حضرت، محدودیت و مصونیت در حضور اجتماعی زنان است. اسلام، اشتغال و درآمدزایی زن برای خانواده را فرع بر تربیت فرزند و مدیریت خانواده می‌داند. از این رو، حضرت زهرا علیها السلام در منزل به ریسندگی و انجام امور منزل اشتغال داشت. (قائمی، ۱۳۷۳، ۱۳۶) در اسلام، اشتغال زن در برخی سمت‌ها جایز نیست. برای مثال، زن نمی‌تواند قاضی و رهبر باشد.

ج. تعدیل الگوهای اجتماعی و برترنگری مرد

طبق ماده پنج کنوانسیون، باید برای تعدیل الگوهای اجتماعی، تمام سنت‌ها و روش‌های سنتی و نقش کلیشه‌ای زن و مرد برداشته شود و برترنگری مرد نسبت به زن اصلاح شود. در صدر اسلام که زنان، ارزش و جایگاهی در اجتماع نداشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله به احترام حضرت فاطمه علیها السلام از جای برمی‌خواست، دستان او را می‌بوسید و او را «سیده النساء العالمین» می‌خواند. (مجلسی، ۱۴۲۳هـ، ۵۳۶/۲۲) آیا این سنت حسنه باید از جامعه مسلمین رخت بریندد؟

د. جلوگیری از روسپی‌گری اجباری و استثمار زنان

در تفکر اسلامی، زن ارزش انسانی والایی دارد و دارای ویژگی‌های مهمی چون اختیار، مسئولیت‌پذیری و کمال‌پذیری است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹، ۵۴) اسلام اختیار زن را به رسمیت می‌شناسد و اجبار و استثمار انسانی را نمی‌پذیرد. به زنان در انتخاب همسر اختیار می‌دهد و رضایت او را شرط ایجاب عقد می‌داند و سپس او را تکلیف به اطاعت از همسر خویش می‌نماید.

ع. حضور سیاسی زنان

از صدر اسلام، زنان در جنگ‌ها، بیعت‌ها و صحنه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری‌های اساسی

جامعه اسلامی حضور داشتند. غرب نیز در یک قرن اخیر به اهمیت حضور و وجود انسانی زن در جامعه پی برده و می‌کوشد به زنان نیز در سیاست نقشی بسپارد.

الف. شرکت در انتخابات و تعیین سیاست دولت

طبق ماده هفت کنوانسیون، زنان حق نامزد شدن، رأی دادن و شرکت در تعیین سیاست‌های دولت و انتصاب به سمت‌های دولتی را دارند و در این امور مساوی مردان می‌باشند. شرکت زنان در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در اسلام، از همان روزهای آغازین اسلام به چشم می‌خورد. حضرت زهرا علیها السلام در سال نهم هجرت، پس از فتح مکه که به صورت رسمی از بانوان بیعت گرفته شد، در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله حضور داشت و با ایشان بیعت نمود و همانند دیگران متعهد شد از انحرافات رایج آن زمان پرهیز کند. (کلینی، بی‌تا، ۵/۵۲۶) پیش از آن نیز زنان در «پیمان عقبه» حضور داشتند. ایشان در خطبه‌ای برای زنان انصار و مهاجر که به عیادتش آمده بودند، آنها را سرزنش می‌کند و به شرکت در سیاست جامعه اسلامی فرامی‌خواند. (خلجی، ۱۳۷۹، ۴۱۰)

ب. انتصاب به سمت‌های سیاسی

در اسلام، زن نمی‌تواند قاضی و رهبر جامعه باشد، ولی می‌تواند در این امور تأثیرگذار باشد. حضرت زهرا علیها السلام در مقام مشاور و همراه سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام قرار داشت. ایشان اولین بانویی بود که در حمایت از ولی امر زمان خویش به‌پاخواست و در راه ولایت، جان و فرزند خویش را فدا کرد و در عمل ثابت کرد که دفاع از ولایت، بالاتر از امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا مردن بدون شناخت جایگاه امام، مرگ به جاهلیت است. (مجلسی، ۵۱۴۲۳، ۷۶/۲۳)

۵. جایگاه اقتصادی زن

در روزگاری که زن غربی به دلیل فضای حاکم بر جوامع غرب، در پی تثبیت جایگاه اقتصادی خود در جامعه است، در اسلام حق مالکیت زن و نقش اقتصادی او به رسمیت شناخته شده است. زن غربی که همیشه مورد ستم بوده است، کمال مالکیت خود را در برابری و تساوی با مرد می‌داند.

کنوانسیون در ماده‌های یک، دو، سه، سیزده، چهارده و شانزده، در پی تثبیت حق برابری اقتصادی زن و مرد در استفاده از وام بانکی، رهن و اعتبارات مالی، اقتصاد خانواده، حق مالکیت، انتقال اموال و مدیریت و سرپرستی آن و محو تبعیض است.

اسلام نه فقط مالکیت زن را رسمی می‌شمارد و همسر او را مجاز به تصرف نمی‌داند، بلکه زن را در درآمد مرد نیز به میزان نفقه‌اش شریک می‌داند. در اسلام، زنان از آغاز (چهارده قرن پیش‌تر) ارث می‌بردند و ارث می‌گذاشتند، مالک دارایی خود بودند و به دلیل قرابت و خویشاوندی، در اموال مردان سهم می‌شدند. آنان اجازه فعالیت‌های اقتصادی داشتند (باید توجه داشت که این فعالیت در گروهی اجازه همسر و وظیفه دوم وی، پس از وظیفه و رسالت خانه‌داری است).

یافته‌های پژوهش

۱. خطا در عناوین

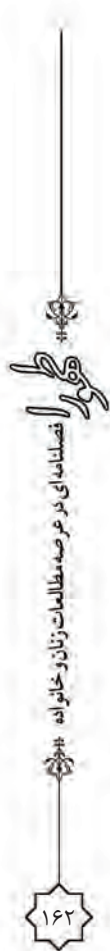
در چند اصطلاح و عنوان به کار رفته در کنوانسیون و رایج در میان عامه، خطاهایی وجود دارد.

الف. خطاهای مبنایی کنوانسیون

اصرار کنوانسیون بر «ضرورت تساوی و برابری زنان و مردان در همه شئون» از خطا در یکی دانستن مفهوم تساوی با عدالت و نابرابری با تبعیض نشأت می‌گیرد؛ هرگونه نابرابری، تبعیض و هر نوع برابری، عدالت فرض شده است. حال آنکه «رابطه عموم و خصوص من وجه» است. فقط برخی نابرابری‌ها، تبعیض و بی‌عدالتی است و برخی بی‌عدالتی‌ها، نابرابری نیست. همان‌گونه که اگر استعدادهای ویژه و تکوینی زن یا مرد نادیده گرفته شود و او دعوت، یا (به اجبار اجتماعی) وادار به انجام تکالیفی مشابه مردان یا زنان شود، بزرگ‌ترین ستم بر آنان رفته و این برابری، عین نابرابری و بی‌عدالتی است.

ب. خطا در تساوی و تشابه

در ادبیات کنوانسیون تساوی، مترادف تشابه قرار گرفته است و برخی این تعریف را به اسلام نیز تعمیم داده‌اند. اسلام، تساوی آفرینش، اجر و پاداش و حقوق زن و مرد را پذیرفته و تساوی در اسلام به معنای عدالت است؛ یعنی هر چیز در جای خویش قرار گیرد؛ زن با توجه



به توانایی و استعداد‌های فطری و نیازهای غریزی خویش، مسئولیت‌هایی بر عهده گیرد و هر مسئولیت حقوق خاصی نیز در پی دارد. اسلام تساوی در حقوق را می‌پذیرد و به آن تصریح و تأکید دارد. آنچه نمی‌پذیرد، تساوی به معنای تشابه و در مفهوم ادبیات فمینیسم و کنوانسیون می‌باشد که با تمایز جنسی و تفاوت در استعداد و توانایی‌ها به طور عقلانی و اسلامی رد می‌شود.

۲. بینش اسلامی در نگاه به کنوانسیون

روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی، ارزش‌مداری و پذیرفتن تمایز جنسی و نداشتن تشابه حقوقی است و با روح کنوانسیون که تساوی (تشابه) حقوق، با وجود تمایز جنسی است، مخالف و غیر قابل تلفیق می‌باشد. اسلام تفاوت‌ها را می‌پذیرد و با استفاده از توانایی‌ها و استعداد‌های ویژه زن، راه تعالی و کمال انسانی را به وی می‌نماید تا به مرتبه قرب الهی برسد. درحالی‌که زن، در کنوانسیون می‌کوشد ویژگی‌های منحصر به فرد و توانایی زن بودن را انکار کند و برای دست یافتن به جایگاه مرد، هر کاری انجام دهد که با فطرت و روح او در تعارض است و باعث سرخوردگی و ناموفق بودن او در ایفای نقش‌هایی می‌شود که ویژه مردان است. زنی که قالب همسری و مادری را رها کرده، به دنبال دسترسی به پست‌های عالی دولتی و... است، با فطرت و اصالت زن بودن خود سر ستیز دارد. غرب برای جایگزینی نقش همسر، به هم‌جنس‌گرایی روی آورده است، ولی برای جایگاه مادری چه تدبیری خواهد اندیشید.

نقش مادری در بارداری و زایمان خلاصه نمی‌شود. نهادها و تسهیلات دولتی نمی‌توانند جایگزین محبت و عشق مادری باشند و الگوهای تک‌بعدی غرب نمی‌تواند به تمام زوایای زندگی انسان پاسخ بگوید. اسلام با عرضه الگو و قوانین صحیح، قوانین کنوانسیون را رد می‌کند، همان‌گونه که ظلم و استضعاف به زن را نیز نمی‌پذیرد و زندگی صحیح زن را در قوانین اسلامی و تساوی حقوق به معنای عدل می‌داند. در اسلام ظلم به زن وجود ندارد و اگر در جوامع اسلامی این آرمان به درستی و کمال در جامعه پیاده نشده، ظلم به ارزش‌های اسلامی است. تفکر اسلامی بر اساس پذیرش تمایز جنسی و عدم تشابه حقوقی، تشابه حقوقی زن و مرد را نمی‌پذیرد و هیچ شرط و استثنایی نیز نمی‌تواند این تضاد بزرگ و ریشه‌ای را کم‌رنگ یا حذف نماید.

۳. تجربه کنوانسیون

مهم‌ترین پرسشی که در برابر اصرار سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و کشورهای توسعه یافته برای جهانی شدن مفاد کنوانسیون پیش می‌آید، این است که آیا تا کنون قوام و صلاحیت کنوانسیون در ساختن آینده‌ای روشن برای زنان به آزمون درآمده است؟

شارلت بانچ در پیش‌گفتار راهنمای آموزشی اقدام محلی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ تصریح می‌کند: «کشورهای سراسر جهان از اجرا و تحقق مفاهیم بشر در دفاع از حقوق برابر زنان، عاجز و ناتوان بوده‌اند». دیدگاه‌های صاحب‌نظران و اندیشمندان و آمارهای اجتماعی نیز همین نظریه را تأیید می‌کند که پیامدهای آن بررسی می‌شود.

الف. روابط آزاد پیش از ازدواج

مواد یک و سه کنوانسیون، جوامع انسانی را از اعمال هرگونه محدودیت علیه زنان به بهانه تمایز جنسی پرهیز داده است. بر همین اساس در ماده ده، خواستار آموزش مختلط و در ماده پنج، خواستار برداشتن رسوم و روش‌های سنتی تبعیض‌آمیز و تکراری در روابط زن و مرد می‌شود. این توصیه از سوی کشورهای صنعتی غرب مورد استقبال قرار گرفت و در دانشگاه‌ها، اماکن عمومی و ورزشی جامه عمل پوشید. روابط آزاد جنسی به اقتضای غرایز جنسی، تمایلات جنسی را به دنبال داشت. بر اساس نظریه هورنای در اجتماعاتی که روابط جنسی آزاد است، بسیاری از نیازهای روانی، به شکل تمایلات جنسی درمی‌آید و به صورت عطش جنسی جلوه می‌کند.

پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد ۶۱٪ دختران و پسران در آمریکا با افرادی از طبقه اجتماعی خود قرار می‌گذارند. هر سال ۳۵۰ هزار نفر آمریکایی در سنین پانزده تا نوزده سالگی به دلیل ارتباط نامشروع، فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند. دختران با رؤیای ازدواج، اتمام تحصیلات و زندگی دلخواه، به این ارتباط‌ها روی می‌آورند و پس از درک واقعیت‌های

زندگی، به بیداری دیر هنگام دست می‌یابند. (اسلامی نسب، ۱۳۷۶، ۱۲۸)

روابط آزاد جنسی نامشروع، پیامدهایی منفی بسیاری دارد. از جمله:

- تشکیل خانواده‌های نامشروع پیش از ازدواج؛

- بارداری ناخواسته و سقط جنین؛



- خانواده‌های تک‌والدینی (خانواده‌های مادری)؛

- به دنیا آمدن فرزند نامشروع؛

- روسپی‌گری؛

- بیماری‌های مقاربتی؛

و....

ب. اشتغال آسیب‌زای زنان

اشتغال بانوان و ایجاد فرصت‌های شغلی که در ماده یازده کنوانسیون مورد تأکید قرار گرفته، از سوی کارشناسان اجتماعی و جمعیتی غرب، عامل اصلی کاهش جمعیت کشورهای صنعتی معرفی شده است. **آندره میشل** می‌نویسد: «در کشورهای صنعتی، مطالعات نشان می‌دهد نقش زن در خانواده دگرگون شده است و زن متأهلی که در بیرون از منزل کار می‌کند، فرزندان کمتری دارد». (اعزازی، ۱۳۷۶، ۵۸). به هر حال کشورهای فمینیستی غرب، بر سر دو راهی ایستادگی بر شعار تساوی و ترویج اشتغال زنان و کاهش جمعیت قرار دارند. به همین سبب، از شعارهای برابری جویانه خویش چشم پوشیده‌اند و از ضرورت بازگشت زنان به خانه سخن می‌گویند. (آندره، ۱۳۷۵، ۱۵۷) با توجه به مغایرت‌های دین مبین اسلام با کنوانسیون، بر چه مبنا و اصولی باید در پی الحاق با شروط تحفظ بود که آن نیز با توجه به ماده تحفظ کنوانسیون، نمی‌تواند مغایرت‌ها را برطرف کند. عملی شدن کنوانسیون، تجربه‌ای تلخ برای جوامع غربی بود و به دنبال راه برگشت می‌باشند.

ع. راهکار اسلام برای تعالی زنان

اسلام با توجه به فطرت و غرایز زنان، راهکارهای اساسی و اسلامی ارائه می‌دهد که مبتنی بر وحی و ارزش‌های اسلامی و نبوی است و توجه زنان به آن راهکارها، سبب تعالی شخصیتی زن است. از جمله این راهکارها عبارتند از:

الف. حیات مکتبی زن

زندگی مکتبی و باورمند، در هر دوره‌ای برای زنان ضروری و در عصر ما به دلایل زیر ضروری‌تر است:

دگرگونی‌های سیاسی عظیم که از بیداری و تجدید حیات مکتبی پدید آمده است؛ پیدایش تضادهای جدید فکری و گرایش‌های متضاد که لازمه بیداری و تحول است؛ باور کمال‌گرایی، یکسان زن و مرد و توانایی انتخاب احسن زن برای تحقق کمال‌گرایی او که منتهای آن، وصول به عبودیت است؛ اعتقاد به اینکه وصول به سعادت، جز در سایه مکتب میسر نیست.

ب. ارزش محوری

در این دوره زمانی، زنان خواستار رشد و تعالی‌اند و می‌خواهند از وابستگی‌های ظاهر، رهایی یابند و اوج گیرند و به کمال برسند. برای تحقق این مقاصد، جنبش‌هایی شکل گرفته که در برابر وضع موجود به اعتراض می‌پردازند و گاه به بیراهه رفته، انحراف می‌یابند. این کج‌روی در مورد برخی طرفداران مذهب نیز صدق می‌کند و زمانی این بحث‌ها و بررسی‌ها می‌تواند راهی به سوی مقصد سعادت‌آفرین باشد که ارزش‌ها بر آن سیطره یابند، نه وابستگی شخصی و تفاسیر ذوقی. ارزش محوری، اصلی اساسی در تعالی زنان است. آنان اگر به این باور و جایگاه دست یابند، از تمام ویژگی‌های منحصر زنانه یاری می‌گیرند تا به ارزش‌های والای انسانی برسند.

ج. پیروی از فطرت

دین اسلام، تکوین و تشریح را در یک مسیر هدایت نموده است؛ زیرا خالق همان شارع است و این، رمز پویایی اسلام می‌باشد. در جهان امروز که زن برای رهایی از جاهلیت دیروز، به جاهلیت امروز پناه برده و برای رهایی جسم، روح خود را اسیر کرده است، پیروی از فطرت انسانی معیار مناسبی برای شناخت است. زن که سال‌ها در پی نجات خود از اسارت افکاری بود که او را فروتر می‌پنداشت، در حرکت خویش برای رهایی به اشتباه به مدنیت غرب پناه می‌برد و احساس کرد که با شریعت و فطرت او سازگار نیست.

د. هشیاری برای ظلم‌زدایی

نداشت و امروز برای دستیابی به آزادی، به اسم تمدن بازبچه استعمار شده است؛ از بردگی تاریخی درآمده و به بردگی متمدن روی آورده است که شرافت و معنویت او را نیز هدف قرار داده است. اسلام با عرضه راهکارهای بنیادی و بینشی به زن، او را در راه یافتن بهترین هدف

یاری می‌نماید و تمام مسایل گذشته و حال و آینده زنان را با اتکا به جامعیت و جاودانی دین اسلام پاسخ می‌گوید.

نتیجه‌گیری

کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، ندای آزادی‌خواهی زنان غرب مبتنی بر تفکر فلسفی و جهان‌بینی غربی است و از آنجا که بر پایه‌های اومانیست و لیبرالیست بنا شده است، گاه در تعارض با خواست‌های انسانی و افکار متعالی و کمال‌گرای بشری قرار می‌گیرد و نمی‌تواند یگانه راه درمان ستم بر زنان و تحمیل ظلم به آنان در اجتماع باشد.

با توجه به راهکارهای سیره فاطمی، همچون ارزش‌محوری زنان، پیروی از فطرت و شناخت ارزش‌های خویش، هشیاری برای ظلم‌زدایی و حیات مکتبی زن برای آزادی و رهایی زنان از ستم‌های جنسی و دستیابی آنان به جایگاه والای زن اسلامی، شایسته است اندیشمندان اسلامی پرچم‌دار جنبشی جدید شوند و با نگاهی بر پایه اصول آسمانی و مترقی اسلام، طرح و لایحه‌ای برای دفاع از حقوق زنان بنگارند و با طرح و تصویب آن در کنفرانس کشورهای اسلامی، خط مشی جدیدی مشخص کنند و از فشارهای بین‌المللی در تأییدخواهی و صحنه‌گزاری بر کنوانسیون بکاهند.

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. قم: دارالاحیاء التراث العربی.
۲. ابی الحدید، عبدالحمید بن هبّالله. (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغه*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳. احمدی خراسانی، نوشین. (۱۳۸۱). *زنان زیر سایه پدر خوانده‌ها*. تهران: نشر توسعه.
۴. اسلامی نسب، علی. (۱۳۷۶). *رفتارهای جنسی انسان*. بی جا: انتشارات حیان.
۵. اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده*. بی جا: روشنگران و مطالعات زنان.
۶. آندره، میشل. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه.
۷. بحرانی اصفهانی، شیخ عبدالله. (۱۴۱۲هـ). *عالم العلوم*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. حسنی، محمد. (۱۳۸۰). *آشنایی با اصطلاحات علوم سیاسی*. تهران: سازمان تبلیغات علوم اسلامی.
۹. حکیمی، محمد. (بی تا). *دفاع از حقوق زن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. خلجی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *رخساره خورشید*. بی جا: انتشارات میثم تمار.
۱۱. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۳). *صحیفه نور*. (۱۳۷۳). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۲. دشتی، محمد. (۱۳۷۴). *نهج‌الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه هیبت)*. قم: انتشارات امیرالمومنین.
۱۳. دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۶۷). *تاریخ تمدن*. تهران: سازمان تبلیغات علوم اسلامی.
۱۴. دوست محمدی، هادی. (۱۳۸۱). *شخصیت زن از دیدگاه قرآن*. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۷۹). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۶. صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۸۰). *بازنگری قانون مدنی تمکین بانو*. ریاست شوهر. تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
۱۷. طاهری، منیره. (۱۳۸۲). *احقاق حقوق زن - کنوانسیون یا اسلام*. مجله کتاب نقد. ش ۲۶ و ۲۷.
۱۸. علاسوند، فریبا. (۱۳۸۲). *زنان و حقوق برابر*. تهران: انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
۱۹. قائمی، علی. (۱۳۷۳). *در مکتب فاطمی*. تهران: انتشارات امیری.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب. (بی تا). *فروع کافی*. تهران: انتشارات العلوم الاسلامیه.
۲۱. گرهارد، لانسکی. (۱۳۷۴). *سیر جوامع بشری*. ترجمه ناصر موفقیان. بی جا: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. لوپس، معلوف. (۱۹۸۹ م). *المنجد*. بیروت: دارالاحیاء التراث العلوم الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۲۳هـ). *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: موسسه الوفاء.
۲۴. مجموعه سیمای زنان در جهان. (اول). (۱۳۷۷). تهران: مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری.
۲۵. مرتوس، جولی. (۱۳۸۲). *راهنمای آموزش حقوق انسانی به زنان*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات دنیای مادر.
۲۶. مصری، قاضی نعمان. (۱۴۲۵ق). *دعائم الاسلام*. بیروت: دارالصادر.
۲۷. مطلع، ناهید. (بی تا). *فمینیسم در ایران*. مجله زنان. ش ۳۳.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). *آزادی از نگاه شهید مطهری*. تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم. (۱۳۷۹). *زن - دانشگاه - فردایی بهتر*. تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۳۰. معین، محمد. (۱۳۷۵). *لغت نامه انگلیسی به فارسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. نوری، یحیی. (۱۳۷۵). *حقوق زن در اسلام و جهان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. هاجری، عبدالرسول؛ کاوه، میترا؛ آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۸۲). *بررسی سند بین‌المللی حقوق جهانی زنان*. تهران: انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

